

آیا روایات معتبر درباره امامت امام صادق (علیه السلام) در منابع شیعه وجود دارد؟

سؤال کننده : سعید

برخی شبهه کرده اند که شیعیان برای اثبات امامت امامانشان به روایات اهل سنت متوسل می‌شوند؛ زیرا در منابع خود روایاتی در این موضوع ندارند.

اولاً: می‌خواستم برای بنده و هر فرد شیعه‌ی دیگری روشن شود که آیا در منابع خودمان برای اثبات امامت امامان بزرگوار شیعه روایاتی وجود دارد یا نه؟ و اگر وجود دارد معتبر هستند یا نه؟

ثانیاً: با توجه به این که ایام صادقیه را در پیش رو داریم، لطفاً در خصوص روایات امامت امام صادق علیه السلام نیز توضیح دهید.

متشکرم، منتظر پاسخ علمی و همیشگی تان هستم.

پاسخ اجمالی

اولاً: در منابع غنی شیعه، برای اثبات مسائل اعتقادی روایات فراوانی وجود دارد و شیعه برای اثبات عقائدش نیازی به روایات اهل سنت ندارد. استدلال ما به روایات و منابع اهل سنت از باب «قاعدگی الزام» است؛ یعنی چون اهل سنت روایات خودشان را قبول دارند (نه روایات شیعه را) در مقام بحث علمی و استدلال باید به منابع خودشان مراجعه و استدلال کرد. همانطوری که اگر آنها بخواهند برای شیعیان، مطلبی را ثابت کنند، باید از منابع مورد پذیرش شیعه دلیل بیاورند؛ قانون بحث علمی و مناظرات این روش را اقتضا می‌کند. بنابراین، شبهه دشمنان اهل بیت علیهم السلام در این زمینه کاملاً بی‌اساس است.

ثانیاً: در موضوع اثبات امامت ائمه (علیهم السلام) در منابع شیعه، تعداد زیادی حدیث صحیح و متواتر در منابع شیعه وجود دارد.

و در موضوع (امامت امام صادق علیه السلام)، نیز روایات معتبر و متواتری وجود دارند که در نوشته پیش رو، این روایات جمع آوری شده و تقدیم شما و همه رهپویان حق و حقیقت می‌گردد.

پاسخ تفصیلی

در موضوع «اثبات امامت، ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام، از دیدگاه روایات شیعه»، مقالاتی نوشته ایم؛ برای اطلاع بیشتر به آدرسهای زیر مراجعه فرمایید:

الف: آیا روایت «امامان دوازدهگانه» به صورت متواتر در منابع شیعه و سنی نقل شده است؟:

<http://www.valiasr-aj.com/persian/shownews.php?idnews=5049>

ب: چهل روایت صحیح در اثبات امامت از کتاب‌های شیعه و سنی:

<http://www.valiasr-aj.com/persian/shownews.php?idnews=5043>

اما قبل از بررسی و نقل روایات و نصوص امامت امام صادق (علیه السلام) دو نکته را یادآوری می‌کنیم:

نکته اول: نص امام باقر (ع) بر امامت امام صادق (ع) در کلام علمای شیعه و اهل سنت

اعتقاد شیعه بر این است که هر امامی، قبل از به شهادت رسیدن، بر امامت امام پس از خود تصریح کرده اند و این مطلب در روایات صحیح و معتبر نقل شده است.

شیخ مفید (رحمة الله عليه) یکی از علمای درجه اول شیعه، بعد از معرفی نسب و شخصیت علمی امام صادق علیه السلام، تصریح می‌نماید که پدرشان امام باقر علیه السلام بر امامتش به صورت روشن تصریح نموده است:

وَ كَانَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مِنْ بَيْنِ إِخْوَتِهِ خَلِيفَةَ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ وَصِيَّهُ وَ الْقَائِمَ بِالْإِمَامَةِ مِنْ بَعْدِهِ وَ بَرَزَ عَلَى جَمَاعَتِهِمْ بِالْفَضْلِ وَ كَانَ أَنْبَهُهُمْ ذِكْرًا وَ أَعْظَمَهُمْ قَدْرًا وَ أَجَلَهُمْ فِي الْعَامَّةِ وَ الْخَاصَّةِ وَ نَقَلَ النَّاسُ عَنْهُ مِنَ الْعُلُومِ مَا سَارَتْ بِهِ الرُّكْبَانُ وَ انْتَشَرَ ذِكْرُهُ فِي الْبُلْدَانِ وَ لَمْ يُنْقَلْ عَنْ أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ الْعُلَمَاءِ مَا نُقِلَ عَنْهُ وَ لَا لَفِي أَحَدٍ مِنْهُمْ مِنْ أَهْلِ الْأَثَارِ وَ نَقَلَهُ الْأَخْبَارُ وَ لَا نَقَلُوا عَنْهُمْ كَمَا نَقَلُوا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ أَصْحَابَ الْحَدِيثِ قَدْ جَمَعُوا أَسْمَاءَ الرُّوَاةِ عَنْهُ مِنَ الثَّقَاتِ عَلَى اخْتِلَافِهِمْ فِي الْأَرَاءِ وَ الْمَقَالَاتِ فَكَانُوا أَرْبَعَةَ آلَافٍ رَجُلٍ. وَ كَانَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الدَّلَائِلِ الْوَاضِحَةِ فِي إِمَامَتِهِ مَا بَهَرَتِ الْقُلُوبَ وَ أَخْرَسَتِ الْمُخَالَفَ عَنِ الطَّعْنِ فِيهَا بِالشُّبُهَاتِ ...

وَ كَانَتْ إِمَامَتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً. وَ وَصَّى إِلَيْهِ أَبُوهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ وَصِيَّهُ ظَاهِرَةً وَ نَصَّ عَلَيْهِ بِالْإِمَامَةِ نَصًّا جَلِيًّا.

«امام صادق جعفر بن محمد بن علی بن الحسین (علیهما السلام) از میان برادرانش جانشین پدرش حضرت باقر علیه السلام و وصی آن حضرت بود که پس از ایشان به امر امامت قیام نمود، و در فضل و دانش سر آمد همه برادران گشت، و از همه آنان نام آورتر، و در قدر و منزلت بالاتر، و در میان شیعه و سنی مقامش ارجمندتر بود، و به اندازه مردم از علوم آن حضرت نقل کرده‌اند که سخنانش توشه راه کاروانیان و مسافران و نام‌نمایش در هر شهر و دیار زبانزد مردمان گشته، و از هیچ یک از علمای این خاندان به آن اندازه که از آن حضرت حدیث نقل شده از دیگری نقل نکرده‌اند، و هیچ یک از اهل آثار و ناقلان اخبار بدان اندازه که از آن حضرت بهره بردند از دیگران بهره‌گیری نکردند، زیرا اصحاب حدیث که نام راویان ثقات آن بزرگوار را جمع کرده‌اند با اختلاف در عقیده و گفتار شماره آنان به چهار هزار نفر می‌رسد. و دلائل روشن در باره امامت آن حضرت به اندازه‌ای است که دلها را حیران کرده، و زبان دشمن را از خورده‌گیری گنگ و لال ساخته است. ...»

مدت زمان امامت (امام صادق علیه السلام) سی و چهار سال بود. پدرش ابو جعفر (امام باقر) علیه السلام به صورت آشکار در مورد ایشان وصیت کرد و بر امامتش به صورت روشن تصریح نموده است.»

البغدادي، الشيخ المفيد محمد بن محمد بن النعمان، العكبري، (متوفای ۴۱۳هـ)، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج 2، ص 180، تحقیق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لتحقیق التراث، ناشر: دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع - بیروت - لبنان، سال چاپ: ۱۴۱۴ - ۱۹۹۳ م

مرحوم طبرسی از مفسران شیعه نیز در کتاب «اعلام الوری» می‌نویسد:

فإن الشيعة قد تواترت خلافا عن سلف إلى أن اتصل نقلهم بالباقر عليه السلام أنه نص على الصادق عليه السلام، كما تواترت على أن أمير المؤمنين عليه السلام نص على الحسن، ونص على الحسين عليهما السلام، وكذلك كل إمام على الإمام الذي يليه، ثم هكذا إلى أن ينتهي إلى صاحب الزمان،

«عقیده‌ی متواتر در نزد شیعه که از گذشتگان نسل به نسل رسیده و متصل به زمان امام باقر علیه السلام می‌باشد، این است که آن حضرت بر امامت امام صادق علیه السلام تصریح کرده است؛ همانگونه که متواتر است امیر مؤمنان علیه السلام بر امامت امام حسن و امام حسین علیهما السلام تصریح نموده است. همچنین هر امامی بر امام پس از خود تا برسد به امام زمان علیه السلام، تصریح کرده اند.»

الطبرسي، أبي علي الفضل بن الحسن (متوفای ۵۴۸هـ)، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱، ص 516، تحقیق و نشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷هـ.

مرحوم اربلي نیز می‌نویسد:

وكانت إمامته عليه السلام أربعاً وثلاثين سنة ووصى إليه أبو جعفر عليه السلام وصية ظاهرة ونص عليه بالإمامة **نصاً جلياً**.

«مدت زمان امامت (امام صادق علیه السلام) 34 سال بود. پدرش ابو جعفر (امام باقر) علیه السلام به صورت آشکار در مورد ایشان وصت کرد و بر امامتش به صورت روشن تصریح نمود.»

الإربلي، أبي الحسن علي بن عيسى بن أبي الفتح (متوفى ٦٩٣هـ)، كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج 2، ص 380، ناشر: دار الأضواء - بيروت، الطبعة الثانية، ١٤٠٥هـ - ١٩٨٥م.

این مسأله آن قدر در میان علما روشن و آشکار است که علمای اهل سنت نیز در کتابهای شان آن را ذکر کرده اند. ابن صباغ مالکی می‌نویسد:

ووصى إليه أبو جعفر (عليه السلام) بالإمامة وغيرها وصية ظاهرة، ونص عليها نصاً جلياً.

«ابو جعفر (امام باقر) علیه السلام آشکارا در باره امامت امام صادق علیه السلام وصیت فرموده و بر امامتش به صورت روشن تصریح کرده است.»

المالكي، علي بن محمد بن أحمد المالكي المكي المعروف بابن الصباغ (متوفى ٨٨٥هـ)، الفصول المهمة في معرفة الأئمة، ج ٢، ص ٩٠٩، تحقيق: سامي الغريري، ناشر: دار الحديث للطباعة والنشر مركز الطباعة والنشر في دار الحديث - قم، الطبعة الأولى: ١٤٢٢

نکته دوم: نصوص امامت

در موضوع اثبات «امامت ائمه طاهرين عليهم السلام» دو نوع نص در منابع شیعه وجود دارد:

الف: نصوص عمومي:

نصوص عمومي، روایاتی هستند که از رسول خدا (صلي الله عليه وآله) و یا ائمه طاهرين (عليهم السلام) به صورت کلی در موضوع امامت وارد شده است. این گونه روایات در منابع شیعه فراوان و در حد تواتر است. این روایات را در دو مقاله ای که در ابتدای این نوشتار آدرس آن را ذکر شد، به صورت مفصل مورد بررسی قرار گرفته است لطفاً مراجعه فرمایید.

ب: نصوص اختصاصي و ویژه هر امام:

نصوص اختصاصي، روایاتی هستند که در آنها یا اسامی یكایك ائمه (عليهم السلام) بیان شده و یا امام قبل، به امامت امام پس از خود تصریح کرده است. دسته‌ی اول را در دو مقاله که در بالا آدرس داده شد، بیان کرده‌ایم اما در مورد دسته دوم در باره هر یکی از ائمه طاهرين (عليهم السلام) این نوع روایات وجود دارد.

و نکته‌ی مهم در این دسته روایات این است که در برخی، امام قبل، امام بعد خودش را به صورت محسوس برای اصحاب نشان داده و فرموده او امام شما است. و در برخی روایات نشانه‌های امامت را در باره او بیان کرده (همچون وصیت کردن به امام بعد، یا سپردن آثار رسول خدا و امور اختصاصي امام) که از طریق آن می‌توان فهمید ایشان امام بعدی است.

در این نوشتار بنا به درخواست شما، روایات و نصوص امامت امام صادق علیه السلام را از زبان پدر بزرگوار شان با اسناد معتبر ذکر می‌نماییم:

مرحوم شیخ کلینی در کتاب الحجة، «بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا»، چندین روایت در خصوص امام صادق علیه السلام نقل کرده که برخی آنها ذکر می‌شود:

روایت اول: (دارای سند صحیح)

[1] الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ نَظَرَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَمْشِي فَقَالَ تَرَى هَذَا؟ هَذَا مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ نَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.

«ابو صباح کنانی می‌گوید: امام باقر علیه السلام به امام صادق علیه السلام که راه می‌رفت، نگاه کرد و گفت: می‌بینی او را؟ او از جمله کسانی است که خداوند در باره ایشان فرموده است: ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!»

الکلبینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الأصول من الکافی، ج ۱، ص 306، ناشر: اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

در این روایت، امام باقر علیه السلام تصریح می‌نماید که امام صادق از جمله افرادی است که خداوند آنان را امام و وارثان زمین قرار داده است.

تصحیح سند روایت:

روایت بالا از نظر سند صحیح است. مرحوم علی بن یونس عاملی (از علمای قرن نهم) سند این روایت را تصحیح کرده و می‌نویسد:

روی محمد بن یعقوب بالأسانید الصحاح إلى أبي الصباح أن الباقر عليه السلام نظر إلى الصادق عليه السلام وقال : هذا من الذين قال الله فيهم : (ونريد أن نمُنَّ على الذين استضعفوا في الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الوارثين).

«محمد بن یعقوب با سندهای صحیح، که به ابی صباح می‌رسد، نقل کرده که امام باقر علیه السلام به امام صادق علیه السلام نگاه کرد و فرمود: ایشان از جمله کسانی است که خداوند در باره‌ی آنها فرموده است: ونريد أن نمُنَّ على الذين استضعفوا في الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الوارثين»

العالمی النباطی، الشیخ زین الدین ابی محمد علی بن یونس (متوفای ۸۷۷هـ) الصراط المستقیم إلى مستحقی التقدیم، ج 2، ص 162، تحقیق: محمد الباقر البهبودی، ناشر: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، الطبعة الأولى، ۱۳۸۴ هـ.

روایت دوم: (دارای سند صحیح)

[7] مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سُئِلَ عَنِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ هَذَا وَ اللَّهُ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ عَنبَسَةَ فَلَمَّا قُبِضَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَخَلَتْ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَخْبَرَتْهُ بِذَلِكَ فَقَالَ صَدَقَ جَابِرٌ ثُمَّ قَالَ لَعَلَّكُمْ تَرَوْنَ أَنْ لَيْسَ كُلُّ إِمَامٍ هُوَ الْقَائِمُ بَعْدَ الْإِمَامِ الَّذِي كَانَ قَبْلَهُ.

«جابر بن یزید جعفی می‌گوید: از امام باقر (علیه السلام) پرسیدند: قائم کیست؟ آن حضرت با دستش به امام صادق (علیه السلام) زد و فرمود: به خدا این قائم آل محمد (علیه السلام) است. عنبسه گفت: بعد از وفات امام باقر (علیه السلام) خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم و حدیث جابر را به عرض ایشان رساندم. فرمود: جابر راست گفته. سپس فرمود: شاید شما گمان کنید که هر امامی قائم بعد از امام قبلی نیست.»

الکافی - الشیخ الکلبینی، ج ۱ ص ۳۰۷

در این روایت تعبیر «هَذَا وَ اللَّهُ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ» نص صریح بر امامت ایشان است زیرا امام صادق علیه السلام، در پایان روایت، این جمله را توضیح می‌دهند و بیان می‌کنند که مراد امام باقر علیه السلام، امام زمان همان عصر است نه امام مهدی علیه

السلام که یکی از القابش «قائم» است.

علامه مجلسی در توضیح کلمه‌ی «قائم» می‌فرماید:

و القائم يطلق في الأخبار على المهدي القائم بالجهاد، الخارج بالسيف، و على كل إمام فإنه قائم بأمر الإمامة كما سيأتي في باب: أن الأئمة كلهم قائمون بأمر الله، و غرضه عليه السلام بيان أن أبي سمانی قائماً بالمعنى الثاني لا الأول، و في الإبهام نوع مصلحة لعدم يأس الشيعة عن الفرج.

«قائم» در روایات، بر حضرت مهدی (علیه السلام) که برای جهاد قیام می‌کند و با شمشیر خارج می‌شود و نیز بر هر امامی اطلاق می‌شود؛ زیرا هر امامی برای امر امامت قیام می‌کنند. این مطلب در باب «أن الأئمة كلهم قائمون بأمر الله» می‌آید. مقصود امام علیه السلام این است که پدرم مرا به معنای دوم «قائم» نامیده است؛ نه به معنای اول و در این ابهام نوعی مصلحت است تا شیعیان از گشایش در امر امامت نا امید نشوند.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۳؛ ص ۲۲۸، تهران، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق.

تصحیح روایت

این روایت نیز از نظر علمای شیعه صحیح است. مرحوم علامه‌ی مجلسی، سند این روایت را صحیح می‌داند و می‌نویسد:

الحديث السابع: صحيح.

روایت هفتم صحیح است.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۳؛ ص ۲۲۸، تهران، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق.

مرحوم علی بن یونس عاملی نیز این روایت را صحیح می‌داند:

وروی بصحاح الأسانید إلى جابر بن يزيد أن الباقر عليه السلام سئل عن القائم بعده ، ف ضرب بيده على الصادق عليه السلام وقال : هذا والله قائم آل محمد يعني القائم بعد أبيه ، لا أنه القائم المنتظر عليه السلام .

«با سند صحیح از جابر بن یزید روایت شده است که از امام باقر علیه السلام در باره امام قائم بعد ایشان سؤال شد...»

الصراط المستقيم، علي بن يونس العاملي، ج 2 ، ص 162

روایت سوم: (دارای سند صحیح)

[8] عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْتَوْدَعَنِي مَا هُنَاكَ فَلَمَّا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ قَالَ ادْعُ لِي شُهودًا فَدَعَوْتُ لَهُ أَرْبَعَةً مِنْ قُرَيْشٍ فِيهِمْ نَافِعُ مَوْلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو فَقَالَ اكْتُبْ هَذَا مَا أَوْصَى بِهِ يَعْقُوبُ بَنِيهِ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (البقرة - 132) وَأَوْصَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَأَمَرَهُ أَنْ يُكْفَنَهُ فِي بُرْدِهِ الَّذِي كَانَ يُصَلِّي فِيهِ الْجُمُعَةَ وَأَنْ يُعَمَّمَهُ بِعِمَامَتِهِ وَأَنْ يُرَبِّعَ قَبْرَهُ وَيَرْفَعَهُ أَرْبَعَ أَصَابِعَ وَأَنْ يَحْلَّ عَنْهُ أَطْمَارُهُ عِنْدَ دَفْنِهِ ثُمَّ قَالَ لِلشُّهُودِ انصَرِفُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَقُلْتُ لَهُ يَا أَبَتَ بَعْدَ مَا انصَرَفُوا مَا كَانَ فِي هَذَا بِأَنْ تُشْهَدَ عَلَيْهِ فَقَالَ يَا بَنِيَّ كَرِهْتُ أَنْ تُغْلَبَ وَأَنْ يُقَالَ إِنَّهُ لَمْ يُوصَ إِلَيْهِ فَأَرَدْتُ أَنْ تَكُونَ لَكَ الْحُجَّةُ.

«عبد الاعلی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که ایشان فرمودند: پدرم آنچه را در آنجا بود (کتب و بقیه چیزهای که مختص به امام است) به من سپرد و چون هنگام وفاتش نزدیک شد، فرمود: چند شاهد نزد من بیاور، من چهار تن از قریش را که نافع- غلام عبد الله بن عمر- در میان آنها بود حاضر کردم. فرمود بنویس:

این است آنچه یعقوب به پسرانش وصیت کرد: «پسرانم! خدا برای شما این دین را برگزید، پس نمیرید جز اینکه مسلمان باشید» و محمد بن علی، به جعفر بن محمد وصیت کرد و به او امر دستور می‌دهد که او را در بردی که نماز جمعه با آن میخواند، کفن پوشاند، و با عمامه‌ی خودش او را عمامه پوشاند و قبرش را چهار گوش سازد و به مقدار چهار انگشت بالا

آورد و هنگام دفن بندهای کفن او را بگشاید. سپس به شاهدان فرمود: برگردید خدا شما را رحمت کند- بعد از آنکه رفتند- گفتم: ای پدر! در این وصیت چه نیازی به گواه گرفتن بود؟ فرمود: پسر! نخواستم که تو (در امر امامت) مغلوب باشی و مردم بگویند به (امامت) او وصیت نکرده است، خواستم که تو حجت و دلیل داشته باشی.»

الكافي، الشيخ الكليني، ج 1، ص 307

مرحوم کلینی این روایت با سندی دیگر در بابی دیگر به نام (باب ما يجب على الناس عند مضي الامام) نیز نقل کرده و در این روایت امام باقر علیه السلام تصریح می‌کند که امام با سه چیز شناخته می‌شود:

2 عليُّ بنُ إبراهيمَ عن مُحَمَّدِ بنِ عيسىَ عن يونسَ بنِ عبدِ الرحمنِ قالَ حَدَّثَنَا حَمَادٌ عنَ عبدِ الأعلَى قالَ: سألتُ أبا عبدِ الله عليه السلامَ عنَ قولِ العَامةِ إنَّ رسولَ الله صلي الله عليه وآله قالَ مَنْ ماتَ وَ لَيسَ لَهُ إمامٌ ماتَ مِيتَةً جاهليَّة... فَقَالَ يُعَرَفُ صَاحِبُ هَذَا الأَمْرِ بِثَلَاثِ خِصَالٍ لا تَكُونُ فِي غَيرِهِ هُوَ أَوْلَى النَّاسِ بِالَّذِي قَبْلَهُ وَ هُوَ وَصِيُّهُ وَ عِنْدَهُ سِلاحُ رسولِ الله صلي الله عليه وآله وَ وَصِيَّتُهُ وَ ذَلِكَ عِنْدِي لا أَنزَعُ فِيهِ...

فَقَالَ إِنِّي كَرِهْتُ أَنْ تُغَلَّبَ وَ أَنْ يُقالَ إِنَّهُ لَمْ يُوَصَّ فَارَدْتُ أَنْ تَكُونَ لَكَ حُجَّة.

«عبد الاعلی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام از سخن عامه سؤال کردم که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرموده: هر که بمیرد و برای او امامی نباشد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است. ... تا اینجا که می‌رسد که امام باقر علیه السلام فرموده: صاحب این امر (امام) با سه ویژگی که در غیر او نیست شناخته می‌شود و او نسبت به امام قبل سزاوار است. وصیت امام پیشین، وجود سلاح رسول خدا صلی الله علیه وآله در نزد او، و وصیت امام پیشین، این موارد در نزد من است که هیچ کسی در آن با من منازعه ندارد.»

الكافي، الشيخ الكليني، ج 1، ص 379

کیفیت دلالت روایت بر امامت امام صادق علیه السلام

در این روایت چند جمله بر امامت آن حضرت دلالت می‌نماید:

1. جمله‌ی: **إِنَّ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْتَوْذَعَنِي مَا هُنَاكَ.**

مراد از «ما هناك» کتب و سلاح و آثار پیامبر است که از نظر شیعه، نشانه های امامت امام محسوب می‌شوند. و امام باقر علیه السلام نیز آنها را به امام صادق علیه السلام سپردند. معنایش این است که بعد از من، شما امام هستید. علامه‌ی مجلسی در توضیح این قسمت می‌نویسد:

ایضاح: «ما هناك» أي من الكتب والسلاح وغيرهما من آثار النبي صلى الله عليه وآله وسائر الأنبياء عليهم السلام ...

«مراد از «ما هناك» کتابها، سلاح و غیر آن از آثار پیامبر صلی الله علیه وآله و سایر انبیاء علیهم السلام است.»

المجلسي، محمد باقر (متوفای ۱۱۱۱هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 79، ص 47، تحقیق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

2. این فراز از روایت: **وَ أَوْصَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَأَمْرَهُ أَنْ يُكْفَنَهُ فِي بُرْدِهِ...**

در این قسمت، امام باقر علیه السلام به فرزندش وصیت می‌کند که امور تکفین و تدفین ایشان را بر عهده بگیرد و از نظر شیعه امام معصوم را جز امام و معصوم دیگر تجهیز نمی‌کند؛ بنابراین، امام صادق علیه السلام، مقام امامت را بعد از پدر بزرگوارشان دارا هستند.

مرحوم سید محسن در کتاب «اعیان الشیعه» می‌گوید:

أراد ان يعلمهم انه وصيه وخليفته والامام من بعده .

«امام باقر علیه السلام می‌خواست با این وصیتش به آنها بفهماند که امام صادق علیه السلام وصی، جانشین و امام بعد از

ایشان است.»

الأمین، السيد محسن (متوفای ۱۳۷۱هـ)، أعيان الشيعة، ج 1، ص 659، تحقیق و تخریج: حسن الأمین، ناشر: دار التعارف للمطبوعات - بیروت - لبنان، سال چاپ: ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳ م

مرحوم آیت الله العظمی تبریزی برای اثبات دلالت این روایت به امامت آن حضرت می‌فرماید:

هذا كما تقدم - بضمیمه ما دلت علیه النصوص وقام علیه الإجماع أن الإمام عندنا لا يتولى تجهيزه إلا إمام مثله إذا كان حاضراً، وأن الوصیه هی من علائم الإمامه - يكون نصاً على إمامه الصادق (عليه السلام) .

«این روایت (به ضمیمه‌ی آنچه روایات بر آن دلالت می‌کند و اجماع شیعه بر این که امور تجهیز امام را جز امام زمانی که حاضر باشد، بر عهده نمی‌گیرد و وصیت کردن از نشانه‌های امامت است)، دلیل روشن بر امامت امام صادق علیه السلام است.»

النصوص الصحيحة - الميرزا جواد التبريزي - ص 21، طبق برنامه مکتبه اهل البيت

فراز پایانی روایت نیز، این تحلیل را تأیید می‌کند که فرمود: فَقَالَ: يَا بُنَيَّ كَرِهْتُ أَنْ تُغْلَبَ وَأَنْ يُقَالَ إِنَّهُ لَمْ يُوصَ إِلَيْهِ فَأَرَدْتُ أَنْ تَكُونَ لَكَ الْحُجَّةُ.

علامه مجلسی در توضیح این قسمت آورده است:

أن تغلب على بناء المجهول أي في الإمامة ، فإن الوصية من علاماتها أو فيما أوصى إليه مما يخالف العامة ، كتربيع القبر أو الأعم .

«کلمه «تغلب» به صورت صیغه مجهول خوانده می‌شود، معنایش این است که دوست ندارم در امر امامت بر شما غالب شوند؛ زیرا وصیت از نشانه‌های امامت است یا در چیزی که به امام وصیت شده و مخالف نظر عامه است غالب شوند مثل چهار گوشه کردن قبر...»

بحار الأنوار، العلامة المجلسي، ج 47، ص 14

شارح اصول کافی چند وجه را در مورد این که مراد از غلبه چیست ذکر کرده است:

قوله (فقال يا بني كرهت أن تغلب) لعل وجه الغلبة أمور : الأول تربيع القبر ، والثاني رفعه ، فإن روايات العامة مختلفة ففي بعضها تسوية القبور وفي بعضها تسنيمها ... ، والثالث التنازع في الإمامة والتخالف فيها فإن الوصية الظاهرة من علامات الإمام كما مر إليه إشارة بقوله : وأن يقال أنه لم يوص فأردت أن تكون لك الحجة أي الحجة التي هي الوصية الظاهرة .

«در باره این فرمایش امام: «بر تو غالب نشوند» چند وجه است:

يك: چهار گوش ساختن قبر، دو: با لا آوردن آن ؛ زیرا روایات اهل سنت در این باره مختلف است، برخی گفته اند روی قبر هموار باشد برخی گفته اند بر آمدگی داشته باشد. ... سوم: منازعه در امر امامت و مخالفت کردن در آن. زیرا وصیت آشکار از نشانه‌های امام است چنانچه گذشت. به این مطلب امام در این کلامش اشاره کرده و فرمود: وأن يقال أنه لم يوص فأردت أن تكون لك الحجة؛ و حجت، همان وصیت ظاهر و آشکار است.»

المازندراني، مولي محمد صالح (متوفای ۱۰۸۱هـ)، شرح أصول الكافي، ج 6، ص 174، تحقیق: مع تعلیقات: الميرزا أبو الحسن الشعراني / ضبط و تصحیح: السيد علي عاشور، ناشر: دار إحياء التراث العربي للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، چاپ: الأولى ۱۴۲۱ - ۲۰۰۰ م

تصحیح روایت:

این روایت را علمای شیعه تصحیح کرده اند. از جمله مرحوم مجلسی ذیل روایت دوم که ذکر شد، در باره سندش می‌فرماید: الحديث الثاني: حسن على الظاهر.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج 4؛ ص 229، تهران، چاپ: دوم، 1404 ق.

مرحوم آیت الله تبریزی درباره صحت سند روایت هشتم می‌گوید:

فمن ما ورد من النص على إمامة جعفر بن محمد الصادق عليه السلام، الرواية الصحيحة التي نقلها الكليني رحمه الله في الكافي عن علي بن إبراهيم عن محمد بن عيسى عن يونس بن عبد الرحمن عن عبد الأعلى عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام: "إن أبي استودعني ما هناك فلما حضرته ...

«از مجموعه روایاتی که بر امامت جعفر بن محمد صادق علیه السلام وارد شده، این روایت صحیحی است که آن را مرحوم کلینی در کتاب کافی از علی بن ابراهیم با سندش از عبد الاعلی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است ...»

النصوص الصحيحة، الميرزا جواد التبريزي، ص 20

روایت چهارم: (دارای سند صحیح)

5 - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ أَبِي قَالَ لِي ذَاتَ يَوْمٍ فِي مَرَضِهِ يَا بُنَيَّ ادْخُلْ أَنَسًا مِنْ قُرَيْشٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ حَتَّى أَشْهَدَهُمْ قَالَ فَأَدْخَلْتُ عَلَيْهِ أَنَسًا مِنْهُمْ فَقَالَ يَا جَعْفَرُ إِذَا أَنَا مِتُّ فَغَسِّلْنِي وَكْفِّنِي وَارْفَعْ قَبْرِي أَرْبَعَ أَصَابِعَ وَرُشَّهُ بِالْمَاءِ فَلَمَّا خَرَجُوا قُلْتُ يَا أَبَتِ لَوْ أَمَرْتَنِي بِهَذَا لَصَنَعْتُهُ وَ لَمْ تُرِدْ أَنْ أَدْخَلَ عَلَيْكَ قَوْمًا تُشْهَدُهُمْ فَقَالَ يَا بُنَيَّ أَرَدْتُ أَنْ لَا تُتَنَازَعُ.

«امام صادق علیه السلام فرمود: روزی که پدرم مریض بود به من فرمود: فرزندم! افرادی از مردم قریش این شهر را نزد من بیاور تا آنها را شاهد گیرم. گروهی از آنها را نزد ایشان آوردم. حضرت فرمود: ای جعفر! وقتی من از دنیا رفتم، مرا غسل بده، کفن کن و قبر مرا چهار انگشت بلند کن و روی قبرم آب بپاش. وقتی آنها رفتند، عرض کردم ای پدر! بدون حضور آنها و شاهد گرفتن آنان اگر به من دستور می‌دادی انجام می‌دادم. فرمود: ای پسرم خواستم با شما منازعه نکنند.»

الكافي، الشيخ الكليني، ج 3 ص 200

این روایت نیز همانند روایت پیشین، بر امامت امام صادق علیه السلام دلالت دارد؛ زیرا امام باقر علیه السلام در باره تجهیز و دفن خودش به ایشان وصیت کرده است. علامه مجلسی در توضیح این روایت می‌نویسد:

بيان: أي في إعمال تلك السنن وارتكاب التمسيل والتكفين، أو في الإمامة فإن الوصية من علاماتها.

«یعنی در انجام این سنت‌ها و تمسیل و تکفین یا در امر امامت با شما منازعه نکنند، زیرا وصیت کردن از نشانه‌های امامت است.»

بحار الأنوار، العلامة المجلسي، ج 46 ص 214

سید محسن امین نیز، بعد از نقل روایت می‌نویسد:

أي لا تنازع في الإمامة والخلافة من بعدي متى علموا أنك وصيي .

«یعنی در امر امامت و جانشینی بعد از من بعد از این که وصیت مرا بدانند، منازعه نکنند.»

أعيان الشيعة، السيد محسن الأمين، ج 1، ص 659

تصحیح روایت:

این روایت نیز همانند روایات قبل از نظر سند صحیح است. علامه مجلسی ذیل روایت می‌نویسد:

الحديث الخامس: حسن.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج 14؛ ص 111، تهران، چاپ: دوم، 1404 ق.

شیخ هادی نجفی پس از نقل روایت، سند آن را تصحیح کرده است:

روایت پنجم:

مرحوم خزاز قمي در کتاب «کفایة الاثر» روایات متعددی را در باره امام صادق علیه السلام ذکر کرده، از جمله ای آنها، روایت ذیل است:

أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الرَّازِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُحَارِبِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَغَالِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ الْوَهَّابِ بْنُ هَمَّامٍ الْجَمِيرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي هَمَّامُ بْنُ نَافِعٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَصْحَابِهِ يَوْمًا إِذَا افْتَقَدْتُمُونِي فَافْتَدُوا بِهِدَا فَإِنَّهُ الْإِمَامُ بَعْدِي وَأَشَارَ إِلَى ابْنِهِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

«ابو همام بن نافع میگوید: روزی امام باقر علیه السلام به اصحابش فرمود: وقتی مرا از دست دادید، به ایشان (امام صادق علیه السلام) اقتدا کنید؛ زیرا او امام پس از من است و به پسرش جعفر علیه السلام اشاره کرد.»

الخرزاز القمي الرازي، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفاي ٤٠٠هـ)، كفاية الأثر في النص على الأئمة الاثني عشر، ص 255، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي، ناشر: انتشارات - قم، ١٤٠هـ .

کیفیت دلالت این روایت بر امامت امام صادق علیه السلام صریح است؛ زیرا امام باقر علیه السلام می فرماید: امام بعد از من، امام صادق علیه السلام است.

روایت ششم:

در روایت دیگری نیز، امام باقر علیه السلام در پاسخ ابو مریم عبد الغفار که از امام پس از ایشان سؤال کرده بود، صریحا فرمود: بعد از من جعفر، امام و پدر ائمه است:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ هُوْدَةَ [هُوْدَةَ] بْنِ أَبِي هَرَّاسَةَ أَبُو سُلَيْمَانَ الْبَاهِلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ أَبِي بَشْرِ النَّهْأَوْنِدِيِّ الْأَحْمَرِيِّ بِنَهْأَوْنَدٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيُّ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ عَبْدِ الْغَفَّارِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى مَوْلَايَ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعِنْدَهُ أَنَسٌ مِنْ أَصْحَابِهِ ذَكَرَ الْإِسْلَامَ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي فَأَيُّ الْإِسْلَامِ أَفْضَلُ قَالَ مَنْ سَلِمَ الْمُؤْمِنِينَ [الْمُؤْمِنُونَ] مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ ...

قُلْتُ فَإِنْ كَانَ هَذَا كَائِنًا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَإِلَى مَنْ بَعْدَكَ قَالَ إِلَى جَعْفَرٍ وَ هُوَ سَيِّدٌ أَوْلَادِي وَ أَبُو الْأَيْمَّةِ صَادِقٌ فِي قَوْلِهِ وَ فِعْلِهِ وَ لَقَدْ سَأَلْتُ عَظِيمًا يَا عَبْدَ الْغَفَّارِ وَ إِنَّكَ لِأَهْلُ الْإِجَابَةِ

«عبد الغفار بن قاسم میگوید: بر مولایم امام باقر علیه السلام وارد شدم در حالی که گروهی از اصحابش نزد ایشان بودند. سخن از اسلام به میان آمد. عرض کردم آقای من، چه اسلامی با فضیلت تر است؟ فرمود: اسلام کسی که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند. ...

عرض کردم: اگر چنین است (بعد از شما امامانی دیگر وجود دارند) بعد از شما به سویی چه کسی رو آوریم؟ فرمود: به جعفر و او آقای فرزندان من و پدر امامان است، راستگو و صادق در گفتار و کردار است. ای عبد الغفار! (بدان که) سؤال بزرگی کردی و (چون) شایستگی جواب را داشتی، (پاسخش را گفتم).

كفاية الأثر ، الخزاز القمي ، ص 252

روایت هفتم

در روایت دیگری امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم امام صادق علیه السلام را نشان می دهد و می فرماید: این امام بعد از من است و به او اقتدا کن و علم و دانش را از او فرا گیر:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَخْلَدٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
 بْنِ بَزِيْعٍ قَالَ حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فُرَاتٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ هَاشِمٍ بْنِ الْبَرِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي
 جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ دَخَلَ جَعْفَرُ ابْنُهُ وَعَلَى رَأْسِهِ ذُوَابَةٌ وَفِي يَدِهِ عَصَا يَلْعَبُ بِهَا فَأَخَذَهُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ
 السَّلَامُ وَضَمَّهُ إِلَيْهِ ضَمًّا ثُمَّ قَالَ لِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي لَا تَلْهَوُ وَلَا تَلْعَبُ ثُمَّ قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ هَذَا إِمَامُكَ بَعْدِي فَأَقْتَدِ بِهِ وَاقْتَبِسْ مِنْ
 عِلْمِهِ وَاللَّهِ إِنَّهُ لَهُوَ الصَّادِقُ الَّذِي وَصَفَهُ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِنَّ شِيعَتَهُ مَنْصُورُونَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعْدَاءُهُ
 مَلْعُونُونَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ عَلَى لِسَانِ كُلِّ نَبِيٍّ فَضَحِكَ جَعْفَرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاحْمَرَّتْ وَجْهَهُ. ...

«محمد بن مسلم می‌گوید: خدمت امام باقر علیه السلام بودم که پسرش جعفر علیه السلام وارد شد در حالی که بر سرش
 گیسو و در دستش چوبی داشت که با آن چوب بازی می‌کرد. امام باقر علیه السلام او را در آغوش گرفته و فرمود: پدر و مادرم
 فدایت بازی نکن. آنگاه به من رو کرد و فرمود: ای محمد، این پیشوای تو است بعد از من از او پیروی کن و از علم و دانش او
 استفاده نما به خدا سوگند این همان صادقی است که پیامبر مژده او را داده است همانا شیعیان‌ش در دنیا و آخرت پیروز و
 دشمنانش در دنیا و آخرت مورد لعن هر پیامبری هستند. جعفر علیه السلام خنده نمود و روی مبارکش سرخ شد.»

كفاية الأثر، الخزاز القمي، ص 254

نتیجه:

طبق روایات بالا که در این نوشتار نقل شد:

اولاً: امام باقر علیه السلام در باره امامت فرزندش امام صادق علیه السلام وصیت کرده وایشان را به عنوان امام و پیشوای
 امت اسلام معرفی نموده است؛

ثانیاً: علاوه بر این نصوص ویژه، روایات صحیح دیگری نیز وارد شده که بر امامت هم‌ه‌ی ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام
 دلالت دارند. و در نتیجه امامت آنها از روایات صحیح شیعه قابل اثبات است.

موفق باشنید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)